

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۲۵

۱۰۵۲۴۶



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی حقوق متهمان از منظر فقه امامیه

و حقوق موضوعه

استاد راهنما:

دکتر سیدیوسف علوی وثوقی

استاد مشاور:

دکتر سیدمحمدجواد وزیری فرد

نگارنده:

کاظم وحدانی

پاییز ۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۵

۱۰۵۲۴۶



تاریخ: ۸۷/۱۱/۱۶
شماره: ۱۲۱۹۵
پیوست: —

« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

باتأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عج»
جلسه دفاعیه پایان نامه آقای: کاظم وحدانی
رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی

تحت عنوان: بررسی حقوق متهمان از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه

با حضور میات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: ۸۶/۱۱/۱۶
تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده
نمره با عدد ۱۷/۵۰ با حروف هندی درج شد
با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
سید یوسف علوی وثوقی	استاد راهنما	استاد یار	
سید محمد جواد وزیری فرد	استاد مشاور	استاد یار	
سید حسن عابدیان	استاد ناظر	استاد یار	
علیرضا ابراهیمی	استاد ناظر	مربی	
عسکر دیرباز	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استاد یار	

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء:

نشانی:
قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم
کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱
تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱
دورنویس:
معاونت آموزشی - ۲۸۵۵۶۸۴
معاونت اداری - ۲۸۵۵۶۸۶
معاونت دانشجویی - ۲۸۵۵۶۸۸

تقدیم:

در عصر

پرستش

الہہا و خدایان بی شمار

این نوشته ناچیز را

به «خدا»

تقدیم می کنم.

تقدیر و تشکر

سپاس خداوندی را که ستایشگران از ستایش او عاجزند
و شمارشگران از شمارش نعمت‌های بی‌شمارش ناتوان.

از صبر و بردباری پدر و مادر عزیزم که مرا با همه کاستی‌هایم مهربان و صمیمی پذیرا
بوده‌اند؛

از کمال ادب و احترام استاد گرانقدر جناب آقای دکتر علوی وثوقی که زحمت راهنمایی
رساله بر دوش ایشان سنگینی می‌کرد و همواره از هیچ کمک و راهنمایی به من دریغ نکردند؛
از صبر و حوصله و راهنمایی‌های استاد عزیز جناب آقای دکتر وزیری فرد که به عنوان مشاور
رساله همواره مزاحمت‌های مرا تحمل می‌کردند؛

از همدلی و پشت گرمی و کمک‌های بی‌دریغ دوستان عزیزم مهدی نادری و مسعود اکبری؛
و از همه معلمان و دوستانی که مرا در بهتر شدنم یاریگر بوده‌اند؛

صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم.

چکیده

«متهم» فردی است که فاعل جرم تلقی شده ولی هنوز انتساب جرم به وی ثابت نگردیده است. منابع فقهی اسلام، در راستای حمایت از حقوق متهمان گزاره‌های زیر را مورد توجه قرار داده است؛ اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها بیان می‌کند: «اعمال و رفتارهای افراد جرم نیست، مگر آن که قانون مصوب قوه مقننه آن را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده باشد». اصل قانونی بودن اثبات جرم‌ها، جرم را فقط از طریق علم قاضی، بینه، سوگند و اقرار قابل اثبات می‌داند. شرایط پیش‌بینی شده برای احراز مقام قضاوت نیز ضامن تأمین حقوق متهمان است. دعوت از فقهاء و حقوق‌دانان در جلسه دادگاه، داشتن سلامت جسمی و توانایی کنترل احساسات و عواطف، رعایت مساوات در برخورد با طرفین دعوا، از جمله تمهیدات در نظر گرفته شده برای احقاق حقوق اصحاب دعوا است. داوری بدون علم و درحالت شک و داوری برخلاف کتاب و سنت، حرام بوده و برقاضی واجب است در صورت خطا، حکم خود را نقض کرده و از حدود معین شده، خارج نشود؛ این موارد در راستای تأمین حقوق متهمان حائز اهمیت است. اصل برائت، قانونی عام و کلی است؛ همه افراد بی‌گناه‌اند، مگر آن که خلاف آن ثابت شود. در صورت رجوع شهود از شهادت، در مسائل مالی شاهدان ملزم به جبران خسارت هستند و در امور کیفری، شاهد رجوع کننده، به مجازات قصاص نفس، قطع و... محکوم می‌شود؛ این قانون بر تأمین حقوق متهم بیگناه تأکید دارد. درحالت تقصیر یا اشتباه قاضی، پرداخت غرامت آن برعهده بیت‌المال است. جرح به معنای مخدوش کردن است و متهم می‌تواند با استفاده از آن، شاهدان را به خاطر عدم احراز شرایط شهادت، از شهادت بازدارد. قاعده درء به عنوان قانونی مهم، شک و تردید حاصل را به نفع متهم تفسیر کرده و مجازات را از وی ساقط می‌کند. حق داشتن وکیل، استفاده از قرارهای تأمین، علنی بودن محاکمات، تفهیم اتهام به متهم، حق اعاده دادرسی، حق آخرین دفاع، اعتراض بر احکام صادره و حق تجدید نظرخواهی از حقوق در نظر گرفته شده برای متهم است.

واژگان کلیدی: متهم - محکوم علیه - اعاده دادرسی - قاعده درء - جرح شهود - اصل

برائت - قانونی بودن جرم‌ها و مجازات‌ها.

فصل اول: کلیات

مقدمه:	۲
۱. مطالعات اولیه پیرامون حقوق متهم:	۴
۱-۱. بیان مسأله تحقیق:	۴
۲-۱. اهداف تحقیق:	۴
۳-۱. ضرورت انجام تحقیق:	۵
۴-۱. سؤالات تحقیق:	۵
۵-۱. فرضیه‌های تحقیق:	۶
۶-۱. سابقه و پیشینه تحقیق:	۶
۷-۱. روش انجام تحقیق:	۶
۸-۱. تعاریف و واژه‌شناسی موضوع:	۷
۱-۸-۱. حق:	۷
۱-۱-۸-۱. معنای لغوی حق:	۷
۲-۱-۸-۱. معنای اصطلاحی حق:	۷
۲-۸-۱. متهم:	۱۰
۱-۲-۸-۱. معنای لغوی و اصطلاحی متهم:	۱۰
۲-۲-۸-۱. منابع حقوق متهم:	۱۱
۳-۸-۱. معنای لغوی و اصطلاحی «فقه»:	۱۲

فصل دوم: بررسی قضاوت در کتاب و سنت و آداب و شرایط آن در راستای حقوق متهمان

۱-۲. اسلام پشتیبان عدالت و ارزش‌های انسانی است و نه متهم:	۱۴
۱-۱-۲. تصدی شایستگان در امر قضاء، تدبیری برای احقاق حقوق متهمان:	۱۴

عنوان	صفحه
۲-۱-۲. قضاوت در قرآن:	۱۵
شأن نزول آیه:	۱۸
۳-۱-۲. قضاوت در روایات:	۱۹
۴-۱-۲. سیمای قضاوت و داوران (نامه امام علی (ع) به مالک اشتر):	۲۱
۱-۴-۱-۳. قضاوتی شگفت و بی مانند:	۲۳
۲-۲. قضاوت در بیان فقهاء:	۲۳
۳-۲. قانونی بودن جرم‌ها:	۲۶
۱-۳-۲. قانونی بودن اثبات جرم‌ها:	۲۶
۱-۱-۳-۲. علم قاضی:	۲۶
۲-۱-۳-۲. بینه (شهود):	۲۸
۳-۱-۳-۲. سوگند:	۲۹
الف) کیفیت سوگند دادن:	۳۰
ب) قسامه، نوع خاص سوگند:	۳۲
۴-۱-۳-۲. اقرار متهم:	۳۴
۴-۲. قانونی بودن مجازات‌ها:	۳۶
۱-۴-۲. کتاب:	۳۷
۲-۴-۲. سنت:	۳۷
۳-۴-۲. عقل:	۳۸
۵-۲. اجراء مجازات‌ها تنها در انحصار تشکیلات قضائی است:	۴۰
۶-۲. اصل سی و ششم قانون اساسی:	۴۱
۷-۲. شرایط و ویژگی‌های قاضی گامی در راستای تأمین حقوق متهمان:	۴۲
۸-۲. آداب و شرایط قضاوت و تأثیر آن در تأمین حقوق متهمان:	۴۵
۱-۸-۲. دعوت از فقهاء و حقوقدانان در جلسه دادگاه:	۴۵
۲-۸-۲. برخورد قضایی مناسب با طرفین دعوی:	۴۷

عنوان	صفحه
۲-۸-۳. ایجاد فضای امن؛ به دور از رعب و تهدید:.....	۴۷
۲-۸-۴. سهولت دسترسی به قاضی:	۴۸
۲-۸-۵. سلامت جسمی و روانی و داشتن توانایی کنترل احساسات و عواطف:.....	۴۸
۲-۸-۶. مساوات در تکلم با طرفین:	۴۹
۲-۹. حق شرکت در نماز جمعه و نماز عیدین (برای زندانیان):.....	۵۱
۲-۹-۱. حق آزادی برای زندانیان مالی:.....	۵۱
۲-۱۰. شرایط حکم صادره:.....	۵۳
۲-۱۰-۱. حرمت قضاوت و داوری بدون علم و حرمت قضاوت در هنگام شک در مسأله:.....	۵۳
۲-۱۰-۲. حرمت عمل به غیر کتاب و سنت:.....	۵۴
۲-۱۰-۳. وجوب نقض حکم در صورت خطا:.....	۵۵
۲-۱۰-۴. حرمت زدن مسلمان بدون استحقاق:.....	۵۶
۲-۱۰-۵. عدم تجاوز از حد معین شده:.....	۵۷

فصل سوم: حقوق متهم در قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی

۳-۱. تعریف متهم در فقه امامیه و قوانین موضوعه:.....	۶۰
۳-۲. اصل برائت قانون عام:.....	۶۱
۳-۳. اطلاق مجرم، بزه‌کار، جانی و... فاقد توجیه قانونی، اخلاقی و شرعی:.....	۶۴
۳-۴. اصل سی و نهم قانون اساسی:.....	۶۶
۳-۵. جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بی‌گناه:.....	۶۸
۳-۶. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق متهم:.....	۷۰
۳-۷. حقوق متهم در اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره):.....	۷۲

فصل چهارم: بررسی مصادیقی از حقوق متهمان

مقدمه:.....	۷۵
-------------	----

..... عنوان	صفحه
..... ۱-۴ رجوع شهود از شهادت قبل از صدور حکم:	۷۶
..... ۲-۴ رجوع شهود از شهادت بعد از صدور حکم:	۷۷
..... ۱-۲-۴ رجوع شهود از شهادت در امور مالی:	۷۷
..... ۲-۲-۴ رجوع از شهادت در امور کیفری:	۷۹
..... نتیجه گیری:	۸۱
..... ۳-۴ حقوق متهم در حالت تقصیر یا اشتباه قاضی:	۸۳
..... ۴-۴ جرح شهود:	۸۵
..... ۵-۴ بررسی قاعده درء (الحدود تدرء بالشبهات):	۸۷
..... ۱-۵-۴ مدارک و مستندات قاعده:	۸۷
..... ۲-۵-۴ دلایل حجیت قاعده:	۸۷
..... ۳-۵-۴ دلالت قاعده:	۸۸
..... ۴-۵-۴ ملاک در عروض شبهه:	۸۸
..... ۵-۵-۴ دامنه شمول قاعده:	۸۸
..... نتیجه بحث:	۹۰

فصل پنجم: حق استفاده از امکانات حقوقی

..... مقدمه:	۹۲
..... ۱-۵ حق داشتن وکیل مدافع:	۹۲
..... ۲-۵ حق استفاده از امکانات حقوقی دیگر:	۹۴
..... ۱-۲-۵ التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف:	۹۴
..... ۲-۲-۵ التزام عدم خروج با تعیین وجه التزام:	۹۵
..... ۳-۲-۵ اخذ کفیل:	۹۵
..... ۴-۲-۵ اخذ وثیقه:	۹۶
..... ۳-۵ علنی بودن محاکمات:	۹۸

عنوان	صفحه
۴-۵. تفهیم اتهام و آگاهی متهم از محتویات پرونده:	۱۰۰
۵-۵. حق اعاده دادرسی:	۱۰۲
مقدمه:	۱۰۲
۱-۵-۵. اعاده دادرسی در لغت و اصطلاح:	۱۰۲
۲-۵-۵. ویژگی های اعاده دادرسی:	۱۰۳
۳-۵-۵. مرجع اعاده دادرسی:	۱۰۴
اشخاصی که حق درخواست اعاده دادرسی دارند؟	۱۰۴
آثار اعاده دادرسی:	۱۰۵
۶-۵. لزوم گرفتن آخرین دفاع متهم:	۱۰۷
نتیجه گیری	۱۰۹
منابع و مأخذ:	۱۱۱

ضمائم: محرومیت از برخی حقوق اجتماعی در اثر ارتکاب جرم

مقدمه:	۱۱۷
۱-۶. عدم قبول شهادت ولد الزنا:	۱۱۷
۲-۶. عدم جواز امامت نماز توسط ولد الزنا:	۱۱۹
نتیجه بحث:	۱۲۰
۳-۶. عدم قبول شهادت عده دیگری از مجرمین:	۱۲۱

فصل اول:

کلیات

مقدمه:

با ظهور اسلام و آغاز رسالت پیامبر اسلام (ص) سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان در روابط اجتماعی و قوانین خود شاهد انقلاب و تحوّل بزرگ شدند. ظهور اسلام فصل نوینی بر دفتر آفرینش افزود و قوانین الهی و فطری آن، انسان‌ها را در مسیر نزدیکی هرچه بیشتر به اصل و فطرت اولیه خویش قرار داد. این درحالی بود که در ممالک اروپایی انسان‌ها دارای هیچ حقوقی نبودند و با آنها چون بردگان رفتار می‌شد. از مساوات و برابری خبری نبود، احقاق حق در قبال زورمندان و آزمندان و آباء کلیسا و سخن گفتن علیه مصالح آنها، مجازاتی در حد شمع آجین شدن یا سوختن در خرمن آتش داشت. میزان تشخیص درجه گناهکاری و اثبات مجرمیت، بدون اتکاء به ادله اثباتی یا منطقی بر معیار قیافه شناسی و عیب و نقص ظاهری بدن انجام می‌شد. در مجازات مجرمان از شیوه اردنال استفاده می‌شد (شیوه‌ای که تا قرن ۱۴ میلادی یعنی هفت قرن پس از ظهور اسلام در اروپا ادامه داشت) (دقت شود)؛ شیوه اردنال عبارت است از آزمایش الهی؛ آنان متعقد بودند که خداوند بیگناهان را از طریق غیبی نجات خواهد داد. شیوه مزبور به گونه‌های مختلف بود: از جمله آن که متهم را به آب می‌افکندند، چنانچه آب او را بیرون می‌انداخت، مقصر بود و اگر در خود فرو می‌برد، او را با طنابی که به دست او بسته بودند بیرون می‌کشیدند و تبرئه می‌شد.

طرق دیگر این بود که آهن گذاخته را به دست او می‌دادند که آن را به ۹ فوت حمل کند؛ اگر دست او عفونت نمی‌کرد، بیگناه بود و اگر عفونت می‌کرد مقصر شناخته می‌شد.^۱

در واقع، هنگامی که اروپا از روش‌های منسوخ و کهنه برای اثبات اتهامات و مجرمیت استفاده می‌کرد حقوق اسلامی براساس موازین مدون و روشن و تکیه بر سیستم ادله، اختلافات را حل و فصل می‌کرد و به مجازات مجرمین می‌پرداخت؛ اصول مربوط به «مساوات قانونی» و «برائت» و «شخصی بودن مجازات‌ها» و «قبح عقاب بلا بیان» و ده‌ها اصل و قاعده روشن که اجزاء نظام حقوقی اسلام را تشکیل می‌دهد، قرن‌ها در اروپا ناشناخته بود و طرح و تکوین این مفاهیم در حقوق غربی تا اندازه زیادی مرهون فرهنگ و تمدن اسلامی است.^۲

نظام اسلامی در کنار حقوقی که برای همه افراد جامعه قائل است، برای متهمان و محکومان نیز به جهت آسیب‌پذیر بودن این‌گونه افراد، حقوق خاصی در نظر گرفته شده است؛ در این راستا اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

«هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

اهمیت این اصل در حقوق اسلامی به حدی است که بنابر نصوص وارده چنانچه کسی به این حقوق تجاوز کند، مستحق تعزیر و عقوبت خواهد بود.

از دیدگاه اسلام، متهم حق تعیین وکیل دارد و این حق در اصل سی و پنجم قانون اساسی، تبلور یافته و قانونگذار تا آنجا پیش رفته که اگر متهم نتواند، دولت موظف است برایش وکیل استخدام کند؛ کفالت امور شخصی زندانی و حتی خانواده‌اش به عهده حکومت اسلامی است.

در نظام حقوقی اسلام، دولت اسلامی متکفل امور کلیه کسانی است که گرفتار عسر و حرج می‌باشند و از تأمین معاش و اداره امور جاری خود عاجزند؛ به همین جهت، شخص زندانی از هر حیث در کفالت و تعهد حکومت است و کلیه مایحتاجش در حدود متعارف، باید مرتفع گردد؛ به علاوه دولت، پرداخت هزینه و اداره امور خانواده و عائله محکوم را نیز عهده‌دار می‌شود؛ چیزی که حقوق اروپا قرن‌ها با آن بیگانه بوده و در دهه‌های اخیر با نضج و گسترش جنبش‌های حمایت از زندانیان، تدریجاً در نظام قضایی مغرب زمین، تدوین یافته است.^۳

۱. سیدمصطفی محقق داماد، قواعد فقه ۴ (بخش جزائی)، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹)، ج اول، ص ۴.

۲. همان، ص ۳.

۳. همان، ص ۷.

۱. مطالعات اولیه پیرامون حقوق متهم

۱-۱. بیان مسأله تحقیق:

دین اسلام به عنوان کاملترین و آخرین دین آسمانی در همه مسائل یک نگاه کلی و همه جانبه دارد، از این رو در برخورد با افرادی که متهم به انجام جرمی شده‌اند، در عین حال که در صورت اثبات جرم مجازات‌های متناسب با جرم انجام شده در نظر گرفته می‌شود در طرف دیگر قضیه فرد متهم به عنوان یک انسان قابل احترام بوده و باید سایر حقوق اجتماعی او که اصطکاک و تضادی با جرم انجام گرفته ندارد، مورد احترام باشد. متهم همواره از جنبه جرم مرتکب شده مورد تعقیب قرار می‌گیرد. جرم و گناه در صورت انطباق در چارچوب‌ها و شرائط تعریف شده آن، قابلیت و مشروعیت کیفر و مجازات پیدا می‌کند. تشخیص جرم و انطباق آن با استانداردهای تعریف شده در اسلام تنها در انحصار ولی فقیه جامع الشرایط و تشکیلات قضائی مأذون از وی می‌باشد. بنابراین هیچ شخص یا نهاد حقیقی یا حقوقی غیر از تشکیلات قضائی صالح، حق تعریف جرم و کیفر آن را ندارد. حقوق، اموال و حیثیت و اعضاء بدن و جان متهمین به جز مجرای اجرای مجازات در حمایت کامل قضائی قرار می‌گیرد. هرگاه شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی به حقوق متهمین جسارت و تعرض معنوی یا مادی نمایند، متهم می‌تواند علیه آنان اقامه دعوی نماید و در این موقع بر عهده مراجع قضائی است که از راههای قانونی از حقوق متهم دفاع کرده و او را در راه استیفای حقوق خود یاری و حمایت نمایند.

۱-۲. اهداف تحقیق:

این رساله تبیین کننده جایگاهی است که نظام قضائی اسلام برای متهمین قائل است و سعی در برآوردن اهداف زیر را دارد:

۱- روشن نمودن نحوه حمایت قانون جزایی اسلام از حقوق متهمین.

۲- تبیین مواردی که مجرمین با ارتکاب جرم‌های خاص از برخی حقوق خود محروم می‌شوند.

۳- استخراج و تدوین شیوه‌های حمایتی قانون از متهمین که در بخش‌های مختلف کتابهای فقهی و قانونی پراکنده است.

۳-۱. ضرورت انجام تحقیق:

دنیای امروز، دنیای ارتباطات و عصر سریع انتقال اطلاعات است. عصری که در آن کشور ما به عنوان داعیه‌دار یک کشور اسلامی، مورد توجه تمام مدعیان حقوق بشر بوده و همه قوانین ما نکته به نکته مورد نقد و نظر قرار می‌گیرد تا خرده‌ای بر قوانین ما بگیرند. با این وصف و در حالی که ما به آسمانی بودن و نیز به جامعیت قوانین اسلام یقین داریم، پس بر محققان اسلامی است که به تبیین و روشن نمودن قوانین فقهی و حقوقی اسلام در تمام زمینه‌ها پردازند. از سوی دیگر خلاء علمی موجود در زمینه ساز و کار حمایت از حقوق متهمین با توجه به آنکه این ساز و کار در نظام قضائی اسلام طراحی گردیده است، ضرورت پرداختن به چنین موضوعی را ایجاب می‌کند. امید آنکه رساله در راستای اهداف مورد نظر گام‌های مثبت بردارد و زمینه‌ساز انجام تحقیقات سازنده و مفید در این حیطه گردد.

۴-۱. سوالات تحقیق:

۱. توجه و دقت شارع اسلامی نسبت به شرایط و ویژگی‌های قاضی، چه تأثیری در تأمین حقوق متهمان دارد؟
۲. آیا رعایت آداب قضاوت به تأمین حقوق متهمان منجر می‌شود؟
۳. اگر فردی متهم به انجام جرمی شد آیا می‌توان به صرف ارتکاب جرم او را از تمام حقوق فردی و اجتماعی محروم کرد؟
۴. قانون جزایی اسلام برای افراد متهم، همانند سایر افراد جامعه، حقوق برابر و مساوی قائل شده یا خیر؟
۵. آیا متهم می‌تواند درخواست حقوق مساوی با سایر افراد جامعه را داشته باشد؟

۶. آیا شخصیت انسانی و حیثیت فردی متهم باید توسط قانون و مراجع قانونی مورد حمایت واقع شود؟

۷. در صورت رجوع شهود از شهادت، حقوق متهم بیگناه چگونه تأمین خواهد شد؟

۸. آیا قاعده درء کمکی به تأمین حقوق متهمان می کند یا خیر؟

۵-۱. فرضیه های تحقیق:

فرضیه های تحقیق از قرار زیر است:

۱- متهمین به جز جنبه مجرمانه عمل خود، از سایر جهات از حقوق شهروندی برابر برخوردارند.

۲- در موارد خاص، برخی از جرمها موجب محرومیت از برخی حقوق خواهد شد، که این گونه جرمها باید تبیین شوند.

۳- نظام قضائی اسلام از فرد متهم در راستای حقوقی که با جرم وی تعارض نداشته باشد حمایت می کند.

۶-۱. سابقه و پیشینه تحقیق:

پرداختن به حقوق متهم موضوعی تازه است که می توان گفت در کتابهای حقوقی جدید به آن پرداخته شده است. تا به حال تحقیق جامع و منسجمی در زمینه حقوق متهم در فقه امامیه انجام نگرفته است، هرچند این موضوع در بین کتابهای حقوقی جدید جسته و گریخته مورد توجه واقع شده است. لازم به ذکر است که چند رساله به موضوع حقوق متهم در حقوق موضوعه و حقوق بین الملل پرداخته است.

۷-۱. روش انجام تحقیق:

رساله پیش رو به شیوه توصیفی - تحلیلی کار شده است. بدین صورت که ابتدا با مراجعه به منابع دست اول و فیش برداری از آنها، شکل کلی رساله شکل یافته است. سپس با تحلیل نظرات فقهاء و حقوقدانان، در راستای اهداف مورد نظر رساله از آن نظرات به شیوه تحلیلی بهره برداری شده است.

۸-۱. تعاریف و واژه‌شناسی موضوع:

۱-۸-۱. حق:

۱-۱-۸-۱. معنای لغوی حق:

حق در لغت دارای معانی متعددی است. از جمله به معنای «واجبات، سزاهای، پاداشها» است.^۱ و نیز به معنای «ثابت، راستی و بهره، معین کسی آمده است.»^۲ و «حق ضد باطل است و جمع آن حقوق است»^۳ راغب اصفهانی گوید: «حق در اصل به معنای مطابقت داشتن و موافقت داشتن است»^۴ بعضی دیگر از دانشمندان و اهل لغت گفته‌اند: با استقرا کردن در مواردی که کلمه حق در آنها به کار رفته است، چنین استنباط می‌شود که در اصل به معنی ثبوت است و همه معانی حق به ثبوت و وجوب بر می‌گردد.^۵ بنابراین حق عبارت است از هر امر ثابت اعم از واقعی و نسبی. پس خدا را حق گوئیم زیرا ثابت و واقعی است، و قرآن را حق گوئیم به اعتبار ثبوت آن از طرف خدا، و کاری را که واقع و ثابت می‌شود، حق گوئیم و عدل را حق گوئیم، زیرا عدل مایه ثبوت و بقای چیزهاست، چه عدل عبارت است از هماهنگی و تناسب، که علت ثبوت و دوام اشیاء و موجودات است و اسلام نیز حق نامیده شده به خاطر تحقق و واقعیت و ثبوت آن.^۶

۱-۱-۸-۲. معنای اصطلاحی حق:

در متون کهن اسلامی برای معنای اصطلاحی حق تعریف روشنی وجود ندارد؛ و شاید حق را روشن‌تر و واضح‌تر از آن می‌دانسته‌اند که نیاز به تعریف داشته باشد. در میان فقهای شیعه، شاید نخستین تعریف اصطلاحی حق از محقق شیخ انصاری باشد. وی گوید: «حق عبارت است از

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم از دوره جدید، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ج ۶، ص ۹۱۴۲.
۲. عبدالرحیم ابن عبدالکریم صفی پور، فرهنگ عربی به فارسی منتهی الارب فی لغة العرب، چاپ سنگی ([بی‌جا]: کتابخانه سنایی، بی‌تا)، ج یک و دو، ص ۲۶۳.
۳. محمد محیی الدین عبدالحمید و محمد عبداللطیف السبکی، المختار من صحاح اللغه، چاپ اول، (تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۳)، ص ۱۱۲.
۴. ابوالقاسم الحسین بن محمد بن المفضل راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، (مصر: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ ه.ق)، ص ۱۲۵.
۵. محمد سلام مدکور، المدخل للفقہ الاسلامی، چاپ چهارم، (قاہرہ: دار النهضه العربیہ، ۱۳۸۹ ق)، ص ۴۱۹.
۶. علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ دوم، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹)، ص ۴۲.

نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق می‌تواند مصلحتی برای خود به دست آورد.^۱

در تعریف دیگر آمده «حق عبارت است از قدرت فرد انسان در برابر قانون بر انسان دیگر یا بر مال یا بر هر دو اعم از مادی یا معنوی»^۲

حضرت امام خمینی (ره) در تعریف حق فرموده‌اند «بی‌شک، حق یک ماهیت اعتباری است که در پاره‌ای موارد عقلانی و در پاره‌ای موارد شرعی می‌باشد مانند اعتباری بودن ملکیت و سلطنت (تسلط و توانایی بر چیزی یا کاری) چون سلطه بر مال و نفس مثلا و چون ولایت و حکومت و غیره.

حق از احکام وضعی است. بی‌گمان حق دارای یک ماهیت و یک حقیقت است به عبارت دیگر حق مشترک معنوی است میان مصادیق و افراد آن.^۳

حقوقدانان اسلامی در تعریف حق گفته‌اند: «حق در اصطلاح عبارت است از نوعی سلطه و قدرت یا نوع و مرتبه ضعیفی از ملکیت، که قانون آن را به فرد یا افرادی می‌دهد تا در پرتو آن در موارد خاصی به کار گیرند و از مزایای آن را بهره‌مند شوند».^۴

بنابراین حق نوعی از سلطنت است یا بهتر بگوییم سلطه و قدرتی است بر چیزی که متعلق عین خارجی است مثل حق تحجیر، حق الرهانه، حق طلبکاران در ترکه میت یا جزء اینهاست از قبیل حق خیار متعلق به عقد و یا برای شخص است مثل حق قصاص، حق حضانت و امثال آنها.^۵ دهخدا در تعریف اصطلاحی حق آورده: «اصطلاح فقهی آن که جمع آن حقوق است نوعی از سلطنت بر چیزی متعلق به عین چون حق تحجیر و حق رهانه و حق غرماء در ترکه میت.

۱. مرتضی الانصاری، المکاسب، چاپ دوم سنگی، (تبریز: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵ ق)، ص ۷۹.
۲. سید محمد آل بحر العلوم، بلغة الفقیه، چاپ چهارم، (تهران: منشورات مکتبه الصادق، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۱۳.
۳. سید روح الله الموسوی الخمینی، البیع، چاپ سوم، (قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۲۱.
۴. علیرضا فیض، مبادی فقه و اصول، چاپ پنجم، (تهران: دانشگاه تهران، دی ۱۳۷۱)، ص ۳۰۶.
۵. علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۴۳.

یا متعلق به غیر عین چون حق خیار متعلق به عقد یا سلطنت متعلق بر شخص چون حق قصاص و حق حضانت. پس حق مرتبه ضعیفی است از ملک بلکه نوعی از ملکیت است!^۱

وی در بیان فرق حق با حکم آورده: «فرق حق با حکم این است که حق مجرد جعل رخصه است بر فعل چیزی یا ترک آن و حکم به ترتب اثر است بر فعل یا ترک»^۲

در واقع فرق حکم با حق این است که در مورد حق، بشر اختیار دارد که آن را استیفاء کند یا نکند و موظف به انجام کار نیست برخلاف حکم که بشر باید آن را رعایت کند.^۳

از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم که حق عامتر از حکم است یعنی هم شامل حکم می‌شود مانند حکم قطع ید در مورد سارق و هم شامل حق می‌شود مانند حق قصاص. پس حقوق عامتر از احکامند. به عبارت بهتر «حق و حکم هر دو نتیجه ادله شرعی و قانونی است. گاهی ادله مزبور بیانگر این معناست که اراده شخص در نتیجه حاصل از آنها تأثیری ندارد. در این صورت، این نتیجه حکم است و در غیر این صورت، نتیجه مزبور حق خواهد بود».^۴

لازم به ذکر است که امروزه واژه حقوق استعمالات و کاربردهای متفاوتی دارد از جمله معنای دستمزد و حق الزحمه، به معنای مجموعه قوانین و مقررات الزامی که بر روابط افراد یک جامعه در زمان معین حاکم است و به معنای دانش حقوق هم به کار می‌رود. ولی در رساله پیش‌رو مقصود از حقوق جمع کلمه حق است، بنابراین حقوق به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد یک جامعه است که گاه از آن به «حقوق فردی» تعبیر می‌شود؛ مانند حق حیات، حق مالکیت، حق ابوت، حق نبوت، و حق زوجیت.^۵

۱. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ص ۹۱۴۳.

۲. همانجا، ج ۶، ص ۹۱۴۳.

۳. عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، چاپ اول، (قم: اسراء، ۱۳۷۵)، ص ۷۵.

۴. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، چاپ ششم، (تهران: انتشارات سمت، تابستان ۱۳۸۴)، ص ۲۸۸.

۵. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۴۳.